|  |  |
| --- | --- |
| نقش برنامه ریزی شهری بر توسعه پایدار شهری  مژگان قنبری ارباستان **1.**   1. کارشناس ارشد رشته مدیریت شهری دانشگاه آزاد اسلامی واحد عالی علوم و تحقیقات تهران، ایران | |
| **The Role of Urban Planning on Sustainable Urban Development**  mojgan ghanbari 1.   1. Master of Urban Management, Islamic Azad University Higher Science and Research Branch, Tehran, Iran | |
|  | |
| \*Corresponding Author: mojgan ghanbari E-mail: [ghanbarimojgan@yahoo.com](mailto:ghanbarimojgan@yahoo.com) | |
|  |  |

**چکیده**

یکی از ارکان اساسی توسعه پایدار، اسکان پایدار است و توسعه شهری پایدار را در همین چارچوب می توان مطرح نمود.به نظر می رسد درک مفهوم توسعه شهری پایدار و پی بردن به نقش برنامه ریزی شهری در ارتباط با آن، مستلزم توجه به اصول و ارکان توسعه پایدار(به طور عام) می باشد. جهت امر توسعه پایدار شهری لازم است شرایطی مهیا شود تا امکان بستر سازی توسعه پایدار انسانی، بهبود و رفاه اجتماعی فراهم گردد که لازمه تحقق این امر، مدیریت شهری منسجم و کارآمد در شکل گیری برنامه ریزی می باشد.از این رو با توجه به نقش توسعه پایداری شهری به منظور افزایش و ارتقا زیرساختهای مدیریتی، برنامه ریزی شهری مورد اهمیت و توجه است. در این تحقیق، با روش مطالعات مروری به نقش برنامه ریزی شهری بر توسعه پایدار شهری پرداخته شده است، نتایج نشان دهنده تاثیر مثبت و اهمیت برنامه ریزی شهری بر توسعه پایدار شهری بوده است.

**کلمات کلیدی:**

برنامه ریزی شهری، توسعه پایدار شهری، شهرسازی.

**Abstract**

One of the key pillars of sustainable development is sustainable housing and sustainable urban development can be considered in this context. Understanding the concept of sustainable urban development and understanding the role of urban planning in that context requires consideration of the principles and pillars of sustainable development (in general). Sustainable urban development needs to be provided with the opportunity to provide a framework for sustainable human development, improvement and social welfare that requires a coherent and efficient urban management in planning. Therefore, with regard to the role of urban sustainability development in enhancing and enhancing managerial infrastructure, urban planning is important. In this research, the role of urban planning on sustainable urban development has been studied through a review method. The results show the positive impact and importance of urban planning on sustainable urban development.

**Keywords:**

Urban planning, Sustainable urban development,Urban.

1. **مقدمه**

امروزه هيچ كشوري از نفوذ پيشرفت هاي حيرت انگيز فناوري و اطلاعات و ارتباطات و بيوتكنولوژي و نانوتكنولوژي مصون نيست انقلاب جهاني فناوري در دهه هاي اخير با تغييرات اجتماعي سياسي و فردي در سراسر جهان همراه بوده است مانند انقلاب كشاورزي و صنعتي در گذشته ما در جهاني زندگي مي كنيم كه ويژگي بارز آن 1) تغييرات شتابنده و2) غير قابل پيش بيني بودن آينده است. انسان، جهت هزينه كمتر بدست آوردن و سود بيشتر و سهولت دسترسي به منابع ،مكان فعاليت خود را انتخاب مي نمايد لیكن با پيچيده تر شدن عوامل موثر در مكان يابي به ناچار استفاده از روشهاي علمي و مدرن رو آورده است كه در اين راستا تئوري ها و نظريه ها و مدل هاي مختلفي ارائه شده است. شهر فضايي پيچيده است كه تمام اجزاي آن بصورت سيستماتيك در ارتباط نزديك با يكديگر مي باشد بطوريكه ايجاد اختلال در هر كدام از اجزاي اين مجموعه باعث ايجاد اشكال در كل سيستم مي باشد به هر حال براي ايجاد يك جامعه پايدار تر نيازمند باز انديشي در بعضي از روش هاي برنامه ريزي سنتي حداقل كاراتر نمودن آنها براي تحقق اهدافي همچون اهداف اقتصادي ، زيست محيطي و عدالت اجتماعي در زمينه پايداري است.

وقتي بحث از مطالعات آمايش صورت مي گيرد اولين موضوعي كه بي درنگ به ذهن خطور مي كند منطقه بندي ،توانهاي اكولوژي و تدوين برنامه ها در سطوح ملي-منطقه اي و محلي است منطقه بندي از محوري ترين بحث هاي آمايش سرزمين است. مناطق را ميتوان برprogramming و منطقه برنامه ريزي[[1]](#footnote-1) منطقه همگن[[2]](#footnote-2) اساس منطقه عملكردي تقسيم بندي نمود .بدين ترتيب منطقه عملكردي محدوده اي جغرافيايي است كه بر اساس نتيجه هايي منتخب داراي عملكرد يكسان ميباشد و معيار آن تحليل جريان هاي اقتصادي و اجتماعي است. لوئيس كيبل منطقه برنامه ريزي را آن چنان محدوده اي تعريف كرده كه به اندازه اي وسيع است كه ارتباطات عملكردي و همگني هاي دور ، آن توزيع جمعيت فعاليت را در پهنه آن همگن مي سازد اگر چه در، اين منطقه برنامه ريزي از مرزهاي سياسي نيز جهت منطقه بندي استفاده مي شود ولي لزوماً استانهاي يك كشور هر كدام يك منطقه محسوب نمي گردند بلكه ممكن است چند استان و يا يك استان مستقيماً برنامه ريزي تعريف گردد.

شهر فضايي پيچيده است كه تمام اجزاي آن به صورت سيستماتيك در ارتباط نزديك با يكديگر مي باشند و اين سيستم پيچيده نياز به برنامه ريزي دارد شهر يكي از پديده هاي ساخته شده توسط انسان در محيط زيست به منظور اسكان، تامين معيشت و يا داشتن روابط اجتماعي و اقتصادي و.... است عموما، انسان ها خودشان محل سكونت و نحوه زندگي در آن را فراهم نموده اند شهرها بايستي بر مبناي نقش ، وظيفه، و امكان و استعدادي كه دارند انجام وظيفه كنند و به نحوي توسعه يابند كه اثرات منفي بر زندگي روستاها را به حداقل برساند شهر مجموعه اي از تركيب عوامل طبيعي، اجتماعي و محيط هاي ساخته شده توسط انسان است كه در آن جمعيت ساكن متمركز شده است.

برنامه ريزي مشتمل است بر اين هر دو عنصر اول يعني برنامه ريزي متوجه به نوعي هدف است و با هم پيوند دادن اقدامات در يك توالي منظم به جلو مي رود برنامه ريزي به معناي دخالت در وضع موجود در سازكار هاي بازار جهت نيل به وضع مطلوب است. از اواخر قرن 19 و اوایل قرن 20 ميلادي اصلاح طلبان اجتماعي در جستجوي راهي براي جلب افكار عمومي و تخريب وضعيت شهرها و نياز به محيط هاي جايگزين براي زندگي بود.

يك جامعه با كاربرد برنامه ريزي ممكن است به چه چيزي دسترسي پيدا كند در جامعه اي در حال رشد برنامه ريزي ممكن است با شكل دهي الگوي رشد به منظور دسترسي به الگوي دلپسند و جذاب براي كاربري زمين سرو كار داشته باشند همچنين برنامه ريزان جامعه جايگاه تسهيلات همگاني مانند مدرسه ها و مراكز خدمات اجتماعي كه براي آسايش انسانهاي پذيراي خدمات و براي تقويت الگوي توسعه مطلوب لازم است را نيز مورد نظر خواهند داشت.

برنامه ريزان پيشينه هاي تخصصي گوناگوني دارند.بيشتر برنامه ريزان از سوي دولت بكار گرفته ميشوند تعداد بيشتري از اين گروه به وسيله سازمان هاي دولتي محلي در شهرها ، شهرستانها ،بخش ها و ديگر تقسيم بندي هاي كشوري بكار گرفته ميشوند توجيه فعاليت و برنامه ريزي به اين نكته بستگي دارد كه برنامه ريزي چگونه تعريف شود براي نمونه برنامه ريزي ممكن است به اين صورت تعريف شود، كه بكارگيري دانش براي تكثير شرايطي ممكن است به گونه اي امكان دستيابي به شرايط آرماني را افزايش دهد. به طور كلي سودمندي برنامه ريزي ناشي از توانايي آن در افزايش رفاه همگاني است منطقه بندي در راستاي تامين كالاي عمومي، بهداشتي امنيت و رفاه است. تعاريف بسيار گوناگوني براي برنامه ريزي وجود دارد اما هنوز تعريفي كلي از برنامه ريزي نوشته نشده است. ديويدف و راينر برنامه ريزي را چنين تعريف مي كنند: برنامه ريزي فرايندي براي تعيين اعمال مناسب در آينده با استفاده از رشته اي از گزينش هاست پيتر هال در كتاب خودبنام برنامه ريزي شهري و منطقه اي مينويسد: تعريف واژه برنامه ريزي بسيار مهم و دشوار است برنامه ريزان چنين مي انديشند كه ميدانند برنامه ريزي چه معنايي دارد به كاري ميگويند كه انجام ميدهند مشكل اين است كه آنان فعاليت هاي گوناگوني را انجام ميدهند بنابراين منظور آنها از بكارگيري اين واژه متفاوت است

برنامه ريزي در سطح ملي، اين گرايش را دارد كه در محتوا به شدت اقتصادي مي باشد. برنامه ريزي اقتصاد ملي مي تواند به شكل تخصصي كوتاه مدت تقسيم شود و شكل نوآورانه ي بلند مدت كه ما دسترسي به درجه هاي ويژه اي از رشد اقتصادي سر و كاردارد(بحرینی،1393).

برنامه ريزي در سطح محلي:در اينجا برنامه ريزي شهري و روستايي نقش غالب تري داشته اند و از روشي نتيجه ميشود كه بيشتر در راستاي كاربري اراضي است برنامه ريزي شهري به برنامه ريزي با جز مكاني، فضايي يا جغرافيايي ميگويند كه هدف اصلي آن تامين ساختار مكاني فعاليت ها يا شيوه كاربري زمين است. برنامه ريزي در سطح منطقه ايي: در چند دهه گذشته نياز براي برنامه ريزي در سطح ميانه در بسياري از كشورهايي مانند انگلستان نيروي حركتي به دست آورده است، سطح منطقه اي برنامه خلا بين سطح ملي و محلي را پر مي كند برنامه ريزي منطقه اي با ويژگي هاي اقتصادي و اجتماعي و با امكانات و مشكلات گوناگوني سر و كار دارد كه آن را از ديگر مناطق جدا مي كند. برنامه ريزي در سطح زير منطقه اي: دشوارترين سطح براي تعريف است چيزي مانند يك پيوند در رابطه با بخشي از يك منطقه ايي بزرگتر است و اگر چه ممكن است به خوبي تعريف شدني نباشد اما از نظر عملي منطقي مشخصي دارد.در اين سطح بيشتر تاكيد بر اجراي فيزيكي است و زير منطقه ميتواند به عنوان بالاترين سطحي در نظر گرفته شود كه در آن اجزاي فيزيكي اجزاي اساسي طرح هستند در برخي از كشورهاي كوچك سطوح ملي و منطقه اي آن ممكن است با هم در يك سطح ادغام شوند.

برنامه ريزي منطقه اي كوششي است متشكل، منظم براي انتخاب بهترين روش هاي موجود به منظور رسيدن به هدفي خاص در يك منطقه. برنامه ريزي منطقه عبارت است از كوشش جهت بالابردن سطح زندگي مردم منطقه. برنامه ريزي منطقه اي عبارت است از .كوششي جهتي به دست آوردن حداكثر استفاده از منابع كمياب موجود مفهموم برنامه ريزي منطقه اي همان مفهوم برنامه ريزي در منطقه است. يعني برنامه ريزي براي انسان ها فعاليت ها و منطقه اي كه اين فعاليت هاي انساني در آن شكل مي گيرد. در اين جا منظور از منطقه عبارتست از تمام يا بخشي از يك تا چند استان با خصوصيات ناحيه عبارتست از حداقل يك يا چند شهرستان كه از نظر ويژگي هاي طبيعي و جغرافيايي همگون بوده و مورد اشاره در تعريف ناحيه ، از نظر اقتصادي، اجتماعي، داراي ارتباطات فعال متقابل باشند(رضویان،1394).

فقدان طرح هاي توسعه شهري و ساخت و سازهاي بي رويه رشد شهرهاي بزرگ در نتيجه مهاجرت هاي كنترل نشده، فقدان برنامه ريزي اقتصاد ملي، مشكل غذا، نا برابري درآمدي ميان گروه ها و مناطق، شكاف درآمدي ميان بازنشستگان و سالخوردگان و كارگران، واگرايي ميان هزينه و سود، عدم ثبات اقتصادي، مشكل اشتغال و بيكاري، افزايش سريع جمعيت، گسترش وسيع و غير قابل پيشگيري و تكنولوژي و غيره و تمايل نياز به برنامه ريزي است هدف برنامه ريزي منطقه اي را مي توان عمران و توسعه مناطق، ايجاد دگرگوني كامل و اساسي در كليه شئونات زندگي مردم و به كارگيري نيروهاي مادي و معنوي و طبيعي منطقه، كاهش نابرابري هاي منطقه اي و درون منطقه اي، كاهش اختلاف سطح شهر و روستا در درون منطقه و ميان منطقه و توسعه پايدار منطقه اي، تعديل ساختاري توسعه اقتصادي – اجتماعي منطقه، افزايش سريع درآمد سرانه در داخل منطقه، تعيين و گسترش نيروهاي تخصصي، افزايش كارايي اقتصادي، اطمينان از حفاظت محيط زيست و بهبود آن و .استفاده از منابع طبيعي ذكر نمود.برنامه ريزي منطقه اي رشته اي است بين رشته اي و ماهيتي چهارگانه دارد كه از همپوشي اقتصاد، جغرافيا به برنامه ريزي شهري و نظريه هاي مكاني به دست مي آيد(اذانی، 1381).

از آن جا كه برنامه ريزي منطقه اي به برنامه ريزي در سطحي ميانه است مي تواند شكاف ميان برنامه ريزي در سطح ملي و محلي را پر كند در برنامه ريزي منطقه اي سعي بر آن است تا حوزه هايي كه داراي ويژگي ها و استعدادهاي بالقوه و مسائل اقتصادي – اجتماعي خاص هستند جداي از ساير مناطق مورد توجه قرار گيرند تمايل نياز به برنامه ريزي منطقه اي وجود دارد با هويت فرهنگي و سياسي جدا كه بعضي مواقع موارد فشار را باعث مي شود وجود برنامه ريزي را محرز نموده است (نمونه فرانسه و انگلستان) توجه به مسايل عملكردي علت ديگري براي برنامه ريزي منطقه اي است. رشد سريع جمعيت يا افزايش شهرنشين و مسايل ناشي از مناطق صنعتي دور افتاده ضرورت برنامه ريزي منطقه اي را باعث شده است. نزديك ساختن سطوح ملي و محلي به هم، بهره برداري از منابع بين منطقه اي نياز به برنامه ريزي منطقه اي را جرم ساخته است تنظيم و برنامه ها و سايت هاي ملي و نياز به اطلاعات منطقه اي از عوامل ديگر نياز به برنامه ريزي منطقه اي است.

روند برنامه ريزي شهري در ايران در طي زمان به همراه تحولاتي كه در روند شهر نشيني صورت گرفته ، فراز و نشيب هاي بسياري را پشت سر نهاده است. در دوره باستان به تدريج با پيشرفت تمدن و بالا رفتن سطح تكنيك و فرهنگ ، تك بناها و مجموعه هاي زيستي تبديل به شهرهاي بزرگي شدند كه داراي طرحها، نقشه ها، تاسيسات و اجزاي حساب شده اي بوده اند . روند برنامه ريزي شهري از نظر كمي و كيفي در زمان ساسانيان به اوج خود رسيد .شهرها به طبقات مختلف اجتماعي تقسيم شده و اجزا سه گانه(ارگ)(شارستان)(ربض) شکل گرفتند. بازرگاني و تجارت باعت رونق و گسترش بازارها شد.تصميم گيري هاي سياسي و نظامي با تاثير گرفتن از عامل مذهب در گذر زمان بعضي اوقات باعت شكل گيري و ساخته شدن شهرهاي جديد شد. يكي از محورهاي اصلي برنامه ريزي شهري برنامه ريزي كاربري زمين است كه به همراه برنامه ريزي شبكه ارتباطي، فضاي سبز و باز ،تاسيسات و غيره استخوان بندي اصلي شهر و نحوه توسعه آتي آن را مشخص مي كند. نحوه رويكرد و چگونگي برنامه ريزي كاربري اراضي نه تنها نقض اساسي در كيفيت و كارايي برنامه جامع شهري خواهد داشت ،بلكه اساس نظام توزيع فعاليتها ، خدمات و سهم سرانه ها را تعيين مي كند، بديهي است موضوع اصلي در برنامه ريزي كاربري اراضي، نحوه تخصيص زمين به كاربري هاي مختلف و هماهنگ كردن آنها با يكديگر است كه به عنوان برآورد نيازهاي فضايي تلقي مي گردد. زمين ،بستر اصلي تمامي فعاليت هاي شهروندان است. عاملي كه در شهرها به خصوص شهرهاي بزرگ محدود و كمياب است، اما نياز و تقاضا براي آن براي تامين سكونتگاه هاي انساني، حمل و نقل، فضاهاي آموزشي ،تجاري، درماني،صنعتي،گذران اوقات فراغت و تمامي فعاليت هاي بشر با افزايش روزافزون جمعيت در حال افزايش است .فرايند برنامه ريزي شهري و منطقه اي در سالهاي اخير به طور فزاينده پيچيده شده است دلايل اين پيچيدگي به واسطه مشاركت فعال و پوبايي روبه افزايش مردم است . براي پاسخگويي به اين پيچيدگي ها نياز به ابزار و فنوني داريم كه در هردو زمينه شهري و منطقه ايي و هم محيط طبيعي كاربرد داشته باشند به همين دليل پيچيدگي ها ابزار و فنون پيشرفته تري به وجود آمده اند. برنامه ريزي شهري به عنوان هنر و علم تقريباً حدود 6000 سال و در حال تكامل بوده است از دولت شهرهاي آشوري تا احياي مجدد شهرهاي مركزي امروزي بر اين عقيده بوده است كه مردم ميتوانند شهرها را برنامه ريزي كنند. اطلاعات اصلي و عملي برنامه ريزي شهري در دنياي غرب يك تكامل طولاني و اولين شهرهاي شناخته شده با برنامه ريزي در مصر و رود دجله و فرات تا شهرهاي جديد در انگلستان از اوايل قرن داشته است(حکمت نیا، 1393).

مديريت شهري عبارتست از اداره امور شهر به منظور ارتقا مديريت پايدار مناطق شهري در سطح محلي با در نظر داشتن و تبعيت از اهداف سياست هاي ملي،اقتصادي و اجتماعي كشور است و يك سازمان گسترده ، متشكل از عناصر و اجزا رسمي و غير رسمي موثر در ابعاد مختلف اجتماعي،اقتصادي و كالبدي حيات شهري با هدف اداره،كنترل و هدايت توسعه همه جانبه و پايدار شهر مربوطه است. علاوه بر دو تعريف عمومي فوق تعريف تخصصي ديگري عبارتست از ((مديريت شهري به عنوان چارچوب سازماني توسعه شهر به سياستها، برنامه ها و طرحها ي عملياتي اطلاق مي شود كه در پي اطمينان از تطابق رشد جمعيت با دسترسي به زير ساخت هاي اساسي مسكن و اشتغال هستند. مديريت شهري در ايران فراز و نشيب هاي زيادي را طي نموده و نحوه اداره شهرها در ايران بيشتر از هر چيز جنبه سياسي و حكومتي داشته و رنگ و بوي حيات مدني در آن كمرنگ بوده و بيشتر از هر پديده اي فرايند سياسي و برخواسته از خواستگاه حكومت مركزي بوده و اين روند تا انقلاب مشروطيت استمرار داشت و با وقوع انقلاب مشروطيت و نوپايي نظام جديد سياسي تهديد هايي در جهت قدرت سياسي به ثبت مي رسد و بين مصوبه هاي قانوني ،قدرت مشروع و مشروط به منصه ظهور مي رسد در مديريت شهري در حال حاضر به تنهايي نمي تواند پاسخگوي حل مشكلات مختلف شهري باشد(رضویان، 1394).

مديريت شهري فرايندي اثر گذار در رشد و توسعه.شهري است اهداف مديريت شهري:

1-ارتقا شرايط كارو زندگي همه جمعيت شهر با توجه به افراد و گروههاي كم درآمد

2-تشويق توسعه اقتصادي و اجتماعي پايدار

3-حفاظت از محيط كالبدي شهر

**وظايف مديريت شهري**

يك مدير شهري بايد بتواند در دنياي رقابتي نقاط قوت و ضعف شهر خود را شناخته و در صدد تقويت مزاياي رقابتي آن برايد از اين رهگذر است كه شهر مي تواند نقطه قابل اتكايي در شبكه جهاني شهرها بيابد و كاركردهاي خود را در نظام سرمايه داري بين الملل بهبود بخشد.بدین ترتیب ((مدیر شهری)) با ((مدیر شهرداری)) تفاوتهای بسیار دارد.

وظايف كنوني مدير شهري(صرف نظر از تنوع و اختلاف در نظامهاي اجتماعي و سياسي گوناگون) ، تنها محدود به مواردي از قبيل برنامه ريزي، خدمات رساني، مديريت فرهنگ محلي، انجام پروژه هاي عمراني و غیره نمي شود، بلكه جهت دهي فعاليتهاي شهري و ترسيم چشم انداز شهر در راستاي دستيابي به توسعه پايدار از جمله مهمترين وظايف مديران شهري بشمار مي رود.(رضازاده، 1384).

توسعه:از نظر لغوي در زبان انگليسي ، به معني بسط يافتن ، درك كردن ، تكامل و پيشرفت است گرچه اين واژه از قرن هشتم هجري (ميلادي 14 ) براي توضيح برخي پديده هاي اجتماعي بكار رفته است، ليكن استفاده وسيع از اين واژه به عنوان يك چارچوب تحليلي براي درك پيشرفت جوامع انساني، به بعد از جنگ جهاني دوم و در دههاي 1960-1950 مربوط می شود. اصطلاح توسعه پايدار در اوايل سال هاي دهه 1970 درباره محيط و توسعه بكار رفت .از آن زمان سازمان هاي بين المللي كه خواهان دستيابي به محيطي مناسب و مساعد براي توسعه سودمند بودند نام خاص و و يژگي آنها در راهبرد توسعه پايدار نمود يافت بکار بردن واژه توسعه پايدار بعد از كنفرانس ريودوژانيرو در سال 1992 در محافل علمي فراگير شد .توسعه پايدار فرايندتغييري است در استفاده از منابع ، هدايت سرمايه گذاري ها ، سمت گيري توسعه فناوري و تغيير نهادي است كه با نيازهاي حال و اينده سازگار باشد توسعه پايدار . به عنوان يك فرايند كه لازمه بهبود و پيشرفت است ، اساس بهبود وضعيت و رفع كاستي هاي اجتماعي ، فرهنگي جوامع پيشرفته است و بايد موتور محركه پيشرفت متعادل ، متناسب و هماهنگ اقتصادي،اجتماعي و فرهنگي تمامي جوامع و بويژه كشورهاي در حال توسعه باشد در راستاي تحقق توسعه پايدار شهري مي بايست شرايطي فراهم شود تا امكان بستر سازي توسعه پايدار انساني و بهبود رفاه اجتماعي شهروندي فراهم گردد. توسعه پايدار شهري به عنوان جزئي از توسعه پايدار بر پايه استفاده معقول از منابع طبيعي استوار شده است و در اين نوع توسعه ملاحظات سه گانه ، محيطي ، اقتصادي و اجتماعي در كنار هم لحاظ خواهد شد. بنابراين شهر پايدار برامده از فرايند توسعه اي است كه ذهنيت و امكان ارتقا هميشگي سلامت اجتماعي –اقتصادي بوم شناسانه شهر و منطقه را فراهم كرده و اين ذهنيت و امكان را به عينيت و اقدام مبدل ساخته است. بنابراين راه كارهاي زير به عنوان راه كارهاي توسعه پايدار شهري مطرح است: -1 حداقل سازي پيامدهاي زيست محيطي -2 حداقل سازي مصرف منابع تجديد ناپذير -3 بهره برداري از منابع تجديد پذير

بدیهی است که رفاه آیندگان را از طریق حفاظت منابع طبیعی و سامانه­­ها (سیستم­­ها)ی اکولوژیکی خود باید تأمین کنیم و اگر حاصل مفهوم پایداری، بهبود استانداردهای زندگی باشد، باید بخشی از منابع طبیعی امروز را نیز ما مورد بهره­­برداری قرار دهیم. برخورد و تفکر جدی درباره نیازها و آرمان­­های نسل­­های آینده، ضرورت واگذاری قسمتی از منابع مصرفی نسل کنونی به نسلهای آتی را، کاملا محرز می­­سازد. این داد و ستد و ایجاد تعادل بین نیاز نسل امروز و نسل­­های آینده چگونه صورت می­­گیرد؟ چطور و توسط چه کسانی رفاه و نیازهای نسل آینده ارزیابی و اندازه­­گیری می­­شود و با نیاز مردم امروز جهان مقایسه می­­گردد و چگونه می­­توان به مردم در این مورد آگاهی داد؟

در واقع توسعه و مدیریت پایدار آنچنان توسعه­­ای است که ایجاد، حفظ و افزایش کیفیت زندگی کلیه افراد بشر در تمام زمان­­ها را آشکارا در نظر داشته باشد. لازمه این کار و لازمه عملی داشتن آن در ابتدا گسترش تحقیقات مفصل و چند جانبه و عمیق می­­باشد.

تعریف سازمان ملل متحد در سال ۱۹۹۱ از توسعۀ پایدار چنین است:« سیاست توسعه­­ای پایدار چنان سیاستی است که در نتیجه اعمال آن منافع مثبت حاصل از مصرف منابع طبیعی بتواند برای زمان­­های قابل پیش بینی در آینده ادامه و دوام داشته باشد.»

مشکل موجود در رابطه با این تعریف، موضوع سنجش منافع حاصل از مصرف منابع طبیعی است. و این مشکل به دلیل ابهام در نحوه ارزش­­گذاری و محاسبه این منافع می­­باشد.

«گوتلند و همکاران (۱۹۹۱) توسعه پایدار را به صورت رابطه بین تغییرات نسبتاً سریع در سامانه­­های اقتصادی بشر و تغییرات اندک در سامانه­­های اکولوژیکی مورد توجه قرار داده­­اند. سامانه­­های اکولوژیکی آن­­هایی هستند که امکان استمرار زندگی بشر را بطور نامحدود تضمین می­­کنند و در عین حال، تحت حمایت آن­­ها به کیفیت اکوسیستم و محیط زیست نیز لطمه­­ای وارد نمی­­شود.»

به نظر مایکل رادکلیفت اصطلاح توسعه پایدار به معنی آن است که درس­­هایی در باب اکولوژی می­­تواند و باید در روندهای اقتصادی بکار گرفته شود که شامل ایده­­های استراتژی حفاظت محیط جهانی و ایجاد محیطی منطقی است که در آن ادعای توسعه به منظور پیشبرد کیفیت همه جنبه­­های حیات مورد چالش و آزمایش قرار می­­گیرد. توسعه پایدار مستلزم دیدگاهی گسترده از اقتصاد و اکولوژی به گونه­­ای است که مورد قبول بیشتر حقوقدان­­ها با هر روش ویژه­­ای باشد، دیدگاهی که می­­تواند با پیمان سیاسی برای اطمینان از اینکه آن توسعه پایدار است یا خیر، همراه باشد.

در یک تعریف دیگر «توسعه پایدار به معنای پیشرفت کیفیت زندگی و زندگی در ظرفیت تحمل اکوسیستم­­های پشتیبان» است. در بطن این تعریف، مفاهیم «توسعه» و «محیط زیست» با یکدیگر همراه هستند.

همانگونه که ذکر شد معنی مشترک و قابل قبول همه، هنوز ارائه نشده است.ضمن توجه به نقاط مشترک این تعاریف باید یادآوری شود که در بین تعاریف مختلف یک حالت دوگانگی مشاهده می­­شود. به طوری که در مجموع در برخی نظرات، واژه­ها به نوعی توصیف کننده یک هدف هستند. اما در برخی تعاریف بویژه تعاریف اخیر «توسعه پایدار به عنوان یک اصل است یا یک کُد هدایت­­گر، که یک راهنماست و چهارچوبی برای تصمیمات مختلف فراهم می­­کند. این دوگانگی می­­تواند مایه ابهام باشد و باعث ایجاد مشکل در فهم دقیق توسعه پایدار گردد.»در سال­­های اخیر به نظر می­­رسد که تعاریف رو به دقیق­­تر شدن هستند و ظاهراً مفهوم توسعه پایدار در حال «جا افتادن» است. حال باید دید مکانیسمی که بوسیله آن توسعه پایدار، واقعیت پیدا می­کند کدام است(دی رو[[3]](#footnote-3)، 2017).

اصول و ارکان توسعه پایدار

در درجه اول روشن است که اصول مورد نظر باید برخاسته از واقعیت­­های موجود در الگوهای اقتصادی – اجتماعی، فرهنگی، کالبدی، حقوقی، سیاسی و اجرایی باشد. واقعیت­های تلخ و مشکلات و معضلات پیچیده زیست محیطی معاصر منجر به صدور بیانیه­­ها و دستور کارهای مختلف برای ترسیم چهارچوب توسعه پایدار و راه­های رسیدن به آن و شرایط تحقق اهداف مربوطه گردیده است. اصول اعلام شده رسمی در دستور کار 21 می­تواند مبنای مناسبی برای فهم محتوی توسعه پایدار باشد(حکمت نیا، 1393).

«امروزه فراگیرترین طرز تفکر اقتصادی هنوز متأثر از الگوی اقتصاد کلان کینزی ] جان مینارد کینز و طرفداران او[ است که مصرف، ذخیره، سرمایه­­گذاری و مخارج عمومی را ترکیب می­­کند و دستیابی به اشتغال کامل در حد امکان ]یعنی استفاده از تمام امکانات و ظرفیت­های اقتصادی موجود و بکارگیری تمام توان اقتصادی جامعه[ را مد نظر دارد. اقتصاد کینزی نقش منابع طبیعی را در تولید به حساب نمی­­آورد. شاید به این علت که پس از رکود شدید اقتصادی در دهۀ 1930، منابع طبیعی هنوز بی­­انتها به نظر می­­رسیدند. شاید علت دیگر، قابل تحمل بودن اثر فعالیت­­ اقتصادی بر زیست­­کره بود. با جمعیت آن روز جهان که فقط به دو میلیارد نفر می­­رسید، تولید سالانه برابر تولید ماهانه امروز بود. با افزایش چشمگیر بازده صنعتی در دوران پس از جنگ جهانی دوم اشتهای فزاینده­­ای برای تولید و مصرف انبوه پدیدار شد. کشورها برآن شدند تا برای سنجش پیشرفت و توسعه خود در ارتباط با دیگران روش­­های آماری بکار برند. سطح درآمد سرانه و تولید ناخالص ملی و داخلی (GNP و GDP) بهترین شاخص ثروت تلقی شد. هدف دولت­­ها رشد سالانه درآمد ملی و درآمد سرانه بود. این نوع سیستم هنوز تا حدودی ادامه دارد و در ارتباط با آن معیارهای مختلف و سرانه­­های اقتصادی و اجتماعی گوناگون دنیا را به کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه تقسیم می­­کند. سیستم­­های حسابداری ملی برای سنجش فعالیت­­های اقتصادی کشورها براساس الگوهای اقتصادی موجود، سیر قهقرایی محیط زیست را پوشیده نگاه میدارد.» طبق این سیستم حسابداری،کشوری که بیشترین تولید و بالاترین مصرف سرانه انرژی، آب، پروتئین، و ... را داشته باشد، توسعه یافته­­تر است. در برخی محاسبات جدید سعی بر این است که مقياس ثروت و توسعه کشورها با گذشته متفاوت باشد. در یک گزارش تحلیلی بانک جهانی، تمامی ۱۹۲ کشور جهان با استفاده از معیاری نو که میزان ثروت طبیعی و توان بالقوه ملت­­ها در توسعه اقتصادی را مورد سنجش قرار می­­دهد، رده بندی شده است. دارائی­­های تولید شده و تاسیسات زیربنایی، گنجینه طبیعی و منبع زیست محیطی و همچنین سرمایه انسانی از منابع سه­­گانه ثروت ملی در این گزارش هستند. هدف از ارائه این رده­­بندی جدید متحول کردن طرز تلقی مردم و دولت­­ها نسبت به فرایند توسعه اقتصادی است و در نتیجۀ گزارش چنین آمده است: «کشورهای ثروتمند آن­­هایی هستند که به سرمایه­گذاری انسانی بهای بیشتری بدهند و از ثروت طبیعی خود نیز بخوبی محافظت نمایند. چرا که اقتصاد خوب یعنی محیط زیست سالم و محیط زیست سالم یعنی اقتصاد خوب.»(یانگ[[4]](#footnote-4) و شی[[5]](#footnote-5)، 2017).

بنابراین مشاهده می­­شود که نقش مهم تفکر زیست محیطی در توسعه اقتصادی و پیوند اقتصاد و محیط زیست به مفهوم «توسعه پایدار» در حال گسترش است. نقش عامل انسانی در این میان بسیار قابل توجه قلمداد می­­شود. بطوری که به عنوان اصل اولیه و اساسی بیانیه «ریو» به تصویب رسیده است. اصل اول این بیانیه انسان را کانون اهداف توسعه پایدار قلمداد می­­کند و استحقاق انسان­ها را برای برخورداری از یک زندگی سالم و خلاق در هماهنگی با طبیعت، مورد تأکید قرار می­­دهد.بیانیه مذکور شامل 27 اصل می­باشد که به طور کلی پیرامون ابعاد پنجگانه اقتصادی، اجتماعی، بوم­­شناختی، مکانی و فرهنگی مطرح گردیده است. اصول فوق به طور کاملاً خلاصه شامل موارد ذیل می­­باشد(سلمان منش، 1391):

استراتژی­­های توسعه پایدار در چند اصل اساسی می­­تواند متمرکز باشد که این اصول را می­­­توان ابعاد پنجگانه توسعه پایدار نامید:

1-پایداری اقتصادی که به مفهوم برآیند تخصیص بهتر و مدیریت کارآتر منابع و جریان مستمر سرمایه­­گذاری خصوصی و دولتی است.

2-پایداری اجتماعی یعنی ایجاد فرآیند توسعه­­ای که تداوم آن منوط به رشدی دیگر است و در اینجا هدف، خلق تمدنی انسانی با توزیع عادلانه دارایی­­ها و درآمدها به منظور کاهش فاصله بین اغنیاء و فقرا می­­باشد.

3-پایداری بوم­شناختی که می­توان آن را با استفاده از اهرم­های زیر تقویت نمود:

* محدود کردن مصرف انواع سوخت و منابع سوختی تمام شدنی
* کاهش حجم ضایعات و آلودگی­­ها و بازیافت منابع
* ترویج امساک در مصرف منابع
* تلاش برای یافتن تکنولوژی­­هایی که ضایعات کمتری به­بار می­­آورند
* تعیین قوانین و دستگاه و نظام قانونی مناسب

4-توسعه مکانی پایدار که با هدف نیل به تشکل روستایی-شهری متعادلتر و توزیع بهتر زمین ها از نظر اسکان انسانی به موارد ذیل تاکید دارد:

* کاهش تمرکز افراطی در مناطق اقماری
* ممانعت از تخریب اکوسیستم های اسیب پذیر ناشی از فرآیندهای مهاجرت و کوچ نشینی بی رویه.
* ترویج روش های کشاورزی و جنگلداری جدید بین زارعین کوچک.
* کشف و بهره برداری از توان بالقوه محیطی برای صنعتی شدن متمرکز همراه با تکنولوژیهای جدید با تاکید خاص بر صنایع زیست توده و نقش آنها در ایجاد اشتغال روستایی غیر کشاورزی
* ایجاد شبکه ای از قرقهای طبیعی برای تنوع زیستی.

به لحاظ روش شناختي موضوع تحقيق یا بایستي مبنتي بر روشهای کمي و با استفاده از ابزار پرسشنامه در حوزه ميدان انجام شود و یا به صورت کيفي و با استفاده ا ابزار مطالعات اسنادی و کتابخانه ای صورت پذیرد. روش تحقيق استفاده شده در این مقاله کيفي و مبتني بر مطالعات کتابخانه ای و اسنادی بوده و سعي گردیده در بررسي موضوع ابعاد نظری موضوع و مصادیق تجربي آن در قالب کارهای عملي انجام شده توسط محقَقان و نویسندگان احصاء گردیده و ارائه شده است(پاندیت [[6]](#footnote-6) و همکاران، 2017).

2-**یافته ها**

تاکنون تعداد زیادی کتاب و مقاله تحت عنوان توسعه پایدار منتشر شده است. حرکتها و جنبشهای زیست محیطی توسط گروهها و سازمان های غیر دولتی گسترش یافته است، تعداد طرفداران و متخصصان محیط زیست روبه افزایش و آگاهی انسان از محدودیت های منابع در حال ارتقا است.

اما از سوی دیگر الگوهای توسعه اقتصادی و صنعتی شدن و رشد شهرنشینی و شیوه های مصرف تغییر قابل توجهی نشان نمی دهد. سه منبع عمده حیات بشر(آب، هوا و غذا) همچنین با وضعیت بحرانی روبروست. منابع غذایی اصلی جهان (اقیانوسها، زمینهای زراعی و مراتع) با حداکثر ظرفیت مورد بهره برداری بی رویه قرار دارند و این در حالی است که سالانه میلیونها نفر به جمعیت جهان اضافه می شوند و بر اساس آخرین آمار و اطلاعات مصرف منابع از جمله انرژی در کل جهان رو به افزایش است. آزمایشات هسته ای و تخریب گسترده محیط زیست طبیعی، نابودی جنگلها و انقراض گونه های گیاهی و جانوری همچنان ادامه دارد. به عبارت دیگر موافقتنامه های جهانی و تعهدات کشورها به ویژه قدرتهای مهم جهان، عملا بی اعتبارتر از همیشه است.

اصفهانی(1390) در نقش برنامه ریزی شهری و منطقه ای در توسعه پایدار شهری، به این نتیجه رسید که به منظور برقراری عدالت اجتماعی باید در تخصیص منابع و دسترسی به امکانات، هوای پاک، آب برنامه ریزی انجام شود تا باعث توسعه پایدار

گردد، لقایی، تیتکانلو(1378) در مقدمه ای بر مفهوم توسعه پایدار و نقش برنامه ریزی شهری، به مقوله پایداری شهری و نحوه استفاده از ابزارهای برنامه ریزی شهری برای تأمین آن نیز اشاره کرده است و در پایان ضمن توجه به اصول مصوب دستور کار21 ، بیانیه «ریو» ، نظرات موجود و همچنین واقعیت ها و معضلات زیست محیطی: حاصل از شهرنشینی؛ملاحظات کلی در جهت برنامه ریزی برای توسعه پایدار شهری(با تأکید بر ملاحظات کالبدی) به صورت پیشنهادی را ارائه کردند.

3**-نتیجه گیری**

هدف از فرآیند توسعه شهری پایدار، دستیابی به وضعیت پایداری جوامع شهری می باشد.فرآیندی است که هدف آن ایجاد یا تقویت ویژگی های پایداری در زندگی اقتصادی ،اجتماعی، فرهنگی و زیست محیطی شهر است. پیچیدگی فوق الهاده محیط زیست طبیعی و مصنوعی در رابطه با فعالیت های انسانی، پیش بینی آثار توسعه را مشکل کرده و مدلهای از پیش تعیین شده و غیر قابل انعطاف را مردود می سازد.ضروری است در برنامه ریزی شهری، انطباق لازم بین اهداف شهرسازی و روشهای پیشرفته و قابل انعطاف صورت بگیرد و برای سازگاری بیشتر این علم با مسائل و ضرورتهای جدید، نوع متفاوتی از روشها، تدابیر، تعابیر، تکنیکها و ابزار ها به کار گرفته شود.توجه به اهمیت فضاهای پیاده و معابر مخصوص دوچرخه ، حمل و نقل عمومی، افزایش تراکم و انسجام و فشردگی شهری برای کاهش پراکندگی و انفصال و هدر رفتن زمین و فضا، تشویق استفاده چند منظوری از فضاها و اصل اختلال کاربری ها، تداوم زمانی ساختمانها برای استفاده چند نسل متوالی، صرفه جویی در مصرف مواد و مصالح ساختمانی، بازیافت فضا، بازیافت مواد و مصالح ساختمانی و استفاده مجدد، طراحی ساختمانها برای حداکثر صرفه جویی در مصرف انرژی و جلوگیری از هدر رفتن گرما و سرما، رواج استفاده از انرژیهای پاک در شهر، توزیع متعادل و عادلانه امکانات و تسهیلات عمومی شهری بین مناطق مختلف برای کاهش ورفع تبعیض، کارایی در انجام هزینه های خدمات و تاسیسات عمومی و به حداقل رساندن هزینه احداث این تاسیسات و غیره از جمله این ملاحظات می باشد.

با مقایسه آنچه که باید انجام پذیرئ و آنچه در حال حاضر در برنامه ریزی برای توسعه شخری معمول است و با توجه به نظرات و مطالب یاد شده می توان به این نتیجه رسید که دستیابی به پایداری شهری نیاز به انجام اصلاحات ساختاری و ایجاد تحولات عمیق و اساسی در تمام سطوح جامعه و به ویژه سه سطح حکومت و مدیریت، تکنولوژی و شیوه های زندگی را دارد.

در بلند مدت استراتژیهای توسعه شهری پایدار باید با حفاظت فعال و بهره وری پایدار از منابع طبیعی به ادامه تنوع زیستی سامانه ها(اکوسیستم ) های شهر و حومه کمک کرده و تضمین کافی برای ارتقا هرچه بیشتر کیفیت زندگ انسانهای امروز و نسلهای آینده فراهم نماید.همچنین جهت گیری این استراتژیها باید به گونه ای باشد که ضمن مطالعات دقیق و ارزیابی آثار زیست محیطی طرحا و تعریف آستانه های زیست محیطی و ظرفیت و توان محیط و بستر اکولوژیک شهرها و با در نظر گرفتن اصول اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، کالبدی، مدیریتی و اجرایی ذکر شده، جریان و فرآیند خطی متابولیسم شهرها را به متابولیسم چرخه ای طبیعی نزدیک کند.

**مراجع**

* رضازاده، م.(1384).عوامل اجتماعی و تحول فرم فضای شهری تهران.تهران:پایگاه اطلاع رسانی شهرسازی و معماری.
* بحرینی، ح.(1393).شهرسازی و توسعه پایدار.رهیافت، شماره 17، 28-39.
* حکمت نیا، ح.(1393).برنامه ریزی فضایی توسعه پایدار شهر یزد.پایان نامه کارشناسی ارشد، جغرافیا و برنامه ریزی شهری، دانشگاه اصفهان.
* اذانی، م.(1381).توسعه پایدار شهری.پایان نامه دکتر، جغرافیا و برنامه ریزی شهری، دانشگاه اصفهان.
* سلمان منش، ح.(1391).سابقه بهداشت برای همه و شهر سالم.مجموعه مقالان سمپوزیوم شهر سالم، تهران، اداره روابط عمومی و بین الملل شهرداری تهران.
* رضویان،م.(1394).تمرکز زدایی در کشورهای در حال توسعه و ایران.انتشارات شروین.
* de Roo, G. (2017). Integrating city planning and environmental improvement: Practicable strategies for sustainable urban development. Routledge.
* Yang, B., Xu, T., & Shi, L. (2017). Analysis on sustainable urban development levels and trends in China's cities. Journal of Cleaner Production, 141, 868-880.
* Pandit, A., Minné, E. A., Li, F., Brown, H., Jeong, H., James, J. A. C., ... & Yang, P. (2017). Infrastructure ecology: an evolving paradigm for sustainable urban development. Journal of Cleaner Production, 163, S19-S27.

1. -region homogenous [↑](#footnote-ref-1)
2. - region fancional [↑](#footnote-ref-2)
3. -De roo [↑](#footnote-ref-3)
4. -Yang [↑](#footnote-ref-4)
5. -Shi [↑](#footnote-ref-5)
6. -Pandit [↑](#footnote-ref-6)